

الگوی مدارای فقهی در حکومت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

محمد دارابی*

چکیده

فروپاشی مردمی، مهم‌ترین تهدید یک نظام سیاسی مبتنی بر جمهوریت است و مخالفان داخلی از عناصر مهم افزایش این تهدید هستند. نوع تعامل حکومت‌ها با مخالفان سیاسی بر اثرگذاری مخالفان بر مردم مؤثر است؛ لذا هر نظام سیاسی باید یک الگوی رفتاری مناسب با مخالفان سیاسی درون جامعه اسلامی داشته باشد. این مقاله با استفاده از دلیل عقل و نقل به واکاوی رفتار با مخالفان در حکومت اسلامی می‌پردازد. سیره معصومین (علیهم‌السلام) در عرصه سیاسی نشانگر نوع خاصی از تعاملات اجتماعی با مخالفان سیاسی و غیرسیاسی است. نوع کنشگری که در روابط اجتماعی در منابع اسلامی موجود است با نوع مدارایی که در سیره سیاسی یافت می‌شود از دو جنس هستند و شرایط و ضوابط خاص خودشان را دارا می‌باشند. قاطعیت در مواردی که زمینه مدارا برداشته می‌شود، تکمیل‌کننده الگوی مواجهه با مخالفان سیاسی است. کاربست اجرای انواع مدارا و قاطعیت را می‌توان در دو ساحت متفاوت پیگیری نمود.

واژه‌های کلیدی: مدارا، مخالفان سیاسی، جامعه اسلامی، حکومت اسلامی، الگوی رفتاری.

مقدمه

از آنجا که فروپاشی مردمی، مهم‌ترین تهدید یک نظام سیاسی جمهوری است و مخالفان داخلی یکی از عناصر مهم افزایش این تهدید هستند؛ نوع تعامل حکومت‌ها با مخالفان سیاسی بر اثرگذاری مخالفان بر مردم مؤثر است؛ لذا هر نظام سیاسی باید یک الگوی رفتاری مناسب با مخالفان سیاسی درون جامعه اسلامی داشته باشد. بخش مهمی از این الگو با عنوان مدارا با مخالفان سیاسی، مورد بحث اندیشمندان قرار گرفته است که با چه کسانی و تا چه حدودی با رفتار مسالمت‌آمیز برخورد شود؟

فقه برنامه زندگی مسلمانان در ابعاد مختلف را طراحی کرده و پایبندی به این برنامه، سعادت و کمال افراد را تضمین کرده است. این مسأله در ساحت حکومتی فقه که برنامه منسجمی را برای اداره نظام اسلامی دارد، استخراج و تبیین دقیق مؤلفه‌های این برنامه برای کارآمدی دولت اسلامی برای نیل به اهداف و آرمان‌ها لازم است. این برنامه فقهی باید مشتمل بر هدایت حداکثری آحاد جامعه اسلامی باشد.

اختلاف در میزان معرفت، سلیقه و رویکرد سبب وجود مخالفان در هر جامعه به‌صورت گوناگون شده است. ناگزیر از این امر در حکومت اسلامی نیز مخالفانی به‌صورت متعدد وجود دارد و به‌صورت طبیعی و وقوعی، امکان حذف مخالفان وجود ندارد و در برخی موارد حذف مخالفان مشروع دینی نیست؛ لذا حکومت اسلامی باید برای این گروه از افراد در جامعه برنامه متناسبی داشته باشد. بنا بر تصریح قانون اساسی (اصل ۴) باید اداره جامعه بر اساس موازین اسلامی صورت گیرد. در نتیجه یکی از مهم‌ترین بحث‌های نظام سیاسی

دولت اسلامی، ارائه الگوی فقهی در مواجهه با مخالفان و جایگاه مدارا در این الگو و حدود و گستره آن است.

تمسک غرض‌ورزان به سیره معصومین علیهم‌السلام در مدارای اسلامی این سؤال را پیش‌رو می‌نهد که تفکیک میان سیره سیاسی و سیره اجتماعی و جایگاه شناسی در مدارا، دارای چه ضرورتی است؟ همواره قاطعیت و مدارا در سیره معصومین علیهم‌السلام دارای تعادل منسجمی بوده است که برای راه‌یابی به مؤلفه‌های این دو عنصر باید با ارائه اصول بنیادی در تعاملات اجتماعی به دنبال ارائه مؤلفه‌های تفکیکی در سیره معصومین: در مدارا با مخالفان بود. به نظر می‌رسد تفکیک مقام بیان در تمسک به رویکردهای مداراتی از سوی معصومین: می‌تواند راهگشای این امر باشد.

این مسأله در کتاب‌های فقه اسلامی ذیل تقیه مداراتی بحث می‌شود و اندیشمندان غربی در علوم سیاسی همچون جان هیک و هرمنوتیک به‌وسیله گادامر این بحث را پیگیری کرده‌اند. مطالعات در مورد مدارا در میان اندیشمندان مسلمان از فارابی، بهمنیان، مسکویه رازی، خواجه نظام الملک و غزالی قابل پیگیری است. مدارا در فرهنگ ادبیات در آثار شاعرانی همچون سعدی، فردوسی، عطار و ناصرخسرو نیز مورد تحقیق قرار گرفته است. ریشه‌دار بودن این مسأله در مکاتب دیگر در قالب تساهل و مدارا در آیین و مکاتب غیراسلامی همچون هندوئیسم و یونان، رومی، مسیحیت، آمریکایی و انگلیس نیز مطرح است.

۱- کلیات و مفاهیم

۱-۱. مدارا

مدارا در لغت از دو واژه «درء» به معنی دوری جستن و «دری» به معنی آگاهی ترکیب شده است.^۱ تطبیق این دو معنی در مدارا می‌تواند به این صورت باشد؛ همراهی برای دوری جستن از شر دیگران و تدبیری که در نرم‌خویی با دیگران وجود دارد. مدارا دارای واژه‌های همگونی همچون رفق، تقیه، تسامح، تغافل و مداهنه است که دارای اختلافات معنایی هستند.

رفق: به معنی همراهی با مردم و با محبت است که در مورد دوستان مطرح می‌شود؛ ولی مدارا درباره مخالفان و دشمنان مطرح است. در روایات چنین آمده است: «لَا تَحْمِلْهَا عَلَى شِيعَتِنَا، وَارْفُقُوا بِهِمْ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَحْتَمِلُونَ مَا تَحْمِلُونَ»، «وَأَمَّا الْمُخَالَفُونَ فَيَكْلَمُهُم بِالْمَدَارَا» (کافی، بی‌تا: ۳۳۴/۸)؛ همچنین شاعر می‌فرماید: آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است *** با دوستان مروّت با دشمنان مدارا.

تقیه: به معنی کتمان و پنهان‌سازی عمومی است که برای دفع ضرر استعمال می‌شود؛ ولی مدارا برای دفع ضرر و جلب منفعت استعمال می‌شود.

تسامح، تساهل و تغافل: بیشتر استعمال این واژه‌ها در مورد گذشت، چشم‌پوشی و آسانی در برخورد است. این چند واژه با لحاظ رویکرد عملی استعمال می‌شود؛ ولی در واژه مدارا، اهمیت نرم‌خویی در برخورد در لایه فکری مورد توجه است.

مداهنه: اصل این واژه از دهن به معنی نرمی و سهولت گرفته شده که به روغن نیز به همین اعتبار دهن و دهین می‌گویند. استعمال این لغت در نرم‌خویی منفی، سازش‌کاری و سستی در برخورد است، به‌طوری‌که ادهان به معنی نفاق و

۱. سوره لقمان: آیه ۳۴، «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا؛ قُلْ فَأَدْرَأُ عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ».

ترک خیرخواهی و صداقت معنی شده است. از جمله راه‌های تشخیص مداهنه از مدارا این است که اگر کوتاه آمدن و چشم‌پوشی موجب کنار نهادن مسائل اصلی و مهم می‌شود، مصداق مداهنه است. (به توشه: ۲۸۶/۲)

واژه مدارا در اصطلاح علم سیاست به معنی تسامح رفتاری و معادل واژه تلورانس در نظر گرفته شده است که در دو ساحت اخلاق (محترم دانستن باورها و رفتارهای گروه‌های مختلف) و سیاست (احترام حکومت نسبت به گروه‌ها و افراد مخالف) مطرح می‌شود. این واژه در استعمال روایی با عناوینی همچون احسان و نیکوکاری، ادخال سرور، خوش‌رویی با مردم، صبح و سلام، آسان‌گیری و پاسخ‌گویی بدی با نیکی آمده است. در مقابل مدارا در روایات با عبارتی همچون حزم، خشونت، جدیت، شدت و مکفره آمده است. (بحار، بی‌تا: ۷۲/ب ۸۷) اصطلاح فقهی خاصی برای مدارا در کتب فقهی یافت نشد؛ ولی می‌توان معنی نیکویی در برخورد، حسن معاشرت در رفتار و قدرت تحمل عقاید ناهمگون برای حفظ وحدت سیاسی در جامعه اسلامی باهدف جلب و هدایت مخالفان و بر پایه گذشت، آگاهی بخشی، عدالت رفتاری و زندگی مسالمت‌آمیز را مدارا نامید.

۲-۱. مخالفان

مخالف اسم فاعل باب مفاعله از واژه خُلِفَ به معنی کسی که رو برگردانده و پشت نموده است. مخالف در اصطلاح فقهی دارای تعریف خاصی نیست و دارای استعمال متفاوتی است.

مخالف گاهی به کسی که نظریه اسلامی را قبول ندارد، اطلاق می‌شود مثل الکافر المخالف، الذمی المخالف. در محاسن برقی عبارت الکافرِ الْمُخَالَفِ آمده است؛ البته در این استعمال می‌توان یهودیان و مسیحیان نیز داخل نمود.

گاهی مخالف به غیر شیعه اطلاق شده است؛ الْمُخَالَفَ لِأَهْلِ الْحَقِّ. (تهذیب الأحکام، بی تا: ۱/۳۳۵)، المسلم المخالف، (شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بی تا: ۲۰۷/۱) و المخالف هو المسلم الذي يتبع مذهبا غير مذهب أهل البيت عليه السلام. (منهاج الصالحین، بی تا: ۳/۳۴)

گاهی مخالف در حکومت اسلامی مطرح است و منظور کسانی هستند که نظریه حکومت اسلامی را در بنیان قبول ندارند یا در تطبیق حاکم فعلی اشکال دارند یا با بخشی از رفتار حاکم که بازگشت به اصلی از اصول حکومتی می کند، مخالف هستند. (المخالف للحاکم) با این تعریف، مستضعف، فاسق و همچنین کسانی که در انتصابات یا رفتار حاکم در بخشی از حکومت که بازگشت به اصول حکومتی نمی کند، مخالف نیستند. این تعریف از مخالف دارای شدت و ضعف است و از منتقدان اصول حکومتی حاکم تا منافقان، اسیران جنگی و شورشیان را شامل می شود. مخالف در تلقی فقهی نویسنده به غیر از اسیران؛ شامل کسانی می شود که دارای عقاید ناهمگونی سیاسی، دینی و مذهبی در جامعه اسلامی هستند و اعم از افرادی که اقدام عملی به عنوان جرم و خلاف قانون مرتکب نشده اند نیز است.

۱-۲-۱. مسأله حقانیت و زندگی مسالمت آمیز با مخالفان

همواره معرفت شناسی اسلامی به بهره مندی از روش حقانیت در پیروی از واقعیت سفارش کرده است. مکتب پلورالیسم با بهره گیری از آموزه های جان هیک در صدد پذیرش و به رسمیت شناختن همه قرائت های دینی و احزاب گوناگون و پرهیز از تک حزبی بودن است. تفکیک منظر اعتقادی از منظر رفتاری می تواند از مغالطه هایی باشد که در موضوع «حقانیت همه برداشت ها» می شود، جلوگیری نماید. اسلام با تأکید بر انحصار مسأله حقانیت دینی، لزوم رفتار مسالمت آمیز با دیگر ادیان را با توجه به شرایط و لوازمی ضروری می داند.

عدم تفکیک این مسأله در علوم سیاسی همواره تردید حقانیت محوری را در اذهان به جای نهاده است. این معنی از به رسمیت شناختن همه احزاب به معنی عدم برخورداری از مبانی فکری رئالیسم است.

۲-۱. سنجش ارزش مدارا بر پایه فلسفه اخلاق اسلامی

ارزش ذاتی در فلسفه اخلاق اسلامی منحصر در کمال اختیاری انسان به سوی خداست و افعالی که این مسأله را فراهم می آورند، دارای ارزش اکتسابی هستند؛ بنابراین مدارا در ساحت زندگی مطلوب جامعه اسلامی امر ضروری تلقی می شود و نیز دارای ارزش غیری است؛ لذا اگر تناسب قاطعیت با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی به زندگی مطلوب جامعه اسلامی نزدیک تر باشد باید مدارا کنار گذاشته شود. این معنی از مدارا که دارای ارزش اخلاقی ذاتی نیست مورد انکار برخی اندیشمندان قرار گرفته است که در این تحقیق با تفکیک این عنصر در فلسفه اخلاق می توان تبیین بهتری از مقوله مدارا در فقه اسلامی داشت.

جلوه های مدارا در بهره مندی مخالفان از حداقل حقوق شهروندی در جامعه اسلامی است که در برخورداری از امنیت، حق حیات، آزادی اندیشه و تفکر، مصونیت مالی، جانی و عرضی، مساوات در برخورداری از بیت المال و عدالت در رسیدگی به دعاوی قضایی است. لازمه این برخورداری، شرایطی است که در حدود مدارا به آن ها اشاره خواهیم کرد.

۲. جلوه های مدارا در سیره اجتماعی معصومان علیهم السلام

مسأله مدارا و نرم خویی در سیره اهل بیت: با شیعیان و دیگر مذاهب^۱ از فضائل اخلاقی مشهور ایشان شمرده می شود و دستور ائمه نسبت به نرم خویی

۱. المعروف من معاملة المعصومین مع أعدائهم.

و برخورد لین و نرم با دیگر افراد (کشف الغمه، بی تا: ۲/۲۹۳) از مسلمات روایی است. این مسأله فقط در مورد مسلمانان خلاصه نمی شود و به غیرمسلمانان نیز سرایت کرده است به طوری که برخوردهای عادلانه و به دور از خشونت را در دسته های مختلف روایی شاهد هستیم.

عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ أَشْهَدُوا لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ صَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ، وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ، وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ، وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ، قِيلَ: هَذَا جَعْفَرِيٌّ، فَيَسْرُنِي ذَلِكَ، وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ.

بخشی از این روایات در برخورد با اهل ذمه از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است:

«أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا، أَوْ انْتَقَصَهُ، أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ، أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بَغَيْرِ طِبِّ نَفْسٍ مِنْهُ، فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بی تا: ۱۶۸/۱۱؛ تحف العقول، بی تا: ۲۷۲)

هر کس اهل ذمه را اذیت کند، من دشمن او هستم و در روز قیامت از او انتقام خواهم گرفت.

بخشی از این برخوردها در گفتگوی اهل بیت علیهم السلام با ملحدان قابل مشاهده است. رفتار زیبای امام صادق علیه السلام در برخورد با ملحدان و گفت و گوی با آنها نقل شده است: او با آنکه صحبت های حاکی از الحاد ما را می شنود به بهترین وجه با ما به مناظره می پردازد، در گفتگو با ما به زشتی سخن نگفته و در پاسخ ما مرزشکنی نکرده و انسانی بردبار، متین، عاقل و استوار است.

۳. جلوه های مدارا در سیره سیاسی معصومان علیهم السلام

مدارا در سیره سیاسی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت امیر علیه السلام قابل پیگیری است به طوری که این بزرگواران نهایت مدارا را با مسلمانان و غیرمسلمانان در سیره

سیاسی خود به جای گذاشته‌اند، نمونه‌هایی از این برخورد را می‌توان در قالب چند مثال مورد بررسی قرار داد.

پیامبر اکرم ﷺ در جریان فتح مکه، کفار و مشرکان مخالف را مورد عفو و رحمت خودش قرار داد. پیامبر اکرم ﷺ از کفار و مشرکان درباره ذهنیت آنان از برخورد خودش سؤال کرد و آن‌ها در پاسخ به کرامت و گذشت پیامبر اشاره کردند که در نتیجه سبب بخشش آن‌ها شد. (مکاتیب الرسول، بی‌تا: ۵۹۷/۳) این جریان به‌خوبی نشانگر برخورد مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانی است که پیش از این به جنگ و خونریزی با مسلمانان پرداخته بودند.

در جریان جنگ بدر عده‌ای از کافران وارد آبی که در اختیار مسلمانان بود، شدند و عده‌ای از مسلمانان قصد کشتن آن‌ها را نمودند؛ ولی پیامبر اکرم ﷺ دستور به کناره‌گیری آن‌ها برای آشامیدن آب نمود. (ابن ابی الحدید، بی‌تا: ۱۲۲/۱۴) پیامبر اکرم ﷺ با دوری از هرگونه رفتار خشونت‌آمیز تا زمانی که سبب فتنه‌انگیزی و برخورد سخت نشده‌اند با کمال صبر و بردباری به رفتار مداراتی با دشمنان می‌پرداختند.

پیمان‌های متعددی که پیامبر اکرم ﷺ در جریان جنگ یا تعامل با دیگر ملت‌ها می‌پرداختند؛ از جمله حاکم ایله در جریان جنگ تبوک که قرارداد جزیه و تأمین امنیت مالی افراد را منعقد نمودند، مصالحه در جریان صلح حدیبیه که تبادل اسرا و عدم جنگ موقت، موضوع معاهده واقع شد، مصالحه با مسیحیان نجران در جریان مباحله که پرداخت جزئه و عدم فتنه‌انگیزی مورد توافق قرار گرفت.

برخورد مداراتی پیامبر با منافقانی همچون عبدالله ابن ابی، جد بن قیس، رفاعه بن تابوت، اوس بن قبطی که با برخورد فعالانه درصدد تبیین و آگاه‌سازی اقدام آنان به خشی‌سازی اقدامات ایشان در شروع فتنه‌انگیزی در جامعه

برمی آمدند. این برخوردها در قالب جریان‌هایی همچون اختلاف بین مهاجر و انصار در تقسیم چاه‌ها، بازگشت از میانه راه در جریان جنگ تبوک، سوءقصد به جان پیامبر در بازگشت از جنگ تبوک قابل پیگیری است. (یوسفی غروی، ۱۳۸۲: ۴؛ واقدی، بی تا: ۹۹۵/۳؛ جعفریان، بی تا: ۶۴۷)

برخورد مداراتی با منافقان از جمله عبدالله بن ابی در جریان‌های مختلف همچون داستان افک به همسر پیامبر، ایجاد شک در جنگ‌های مختلف که در نهایت پیامبر اکرم بعد از مرگ ایشان، پیراهن خود را برای تکفینش فرستاد. (یوسفی غروی، ۱۳۸۲: ۴-۱۱۸/۳)

۴. جلوه‌های قاطعیت در سیره سیاسی معصومان علیهم‌السلام

موضوع جهاد و برخورد قاطع و مقاتله انگیز از اساسی‌ترین مستثنیات مدارا است که وقتی موضوع آن محقق شد، رفتار مداراتی مشروعیتی ندارد؛ البته تحقق این عنوان در حکومت اسلامی دارای ضوابط و مؤلفه‌هایی است که تشخیص آن‌ها بر عهده حاکم و راهکارهای اجرایی آن در سنجش زمان و مکان صورت می‌گیرد.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أُوْهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾. (سوره توبه: آیه ۷۳؛ سوره تحریم: آیه ۹)

عن علی علیه‌السلام: وَعَمْرِي مَا عَلَى مَنْ قِتَالِ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَخَاطَبَ الْغَيَّ مِنْ إِدْهَانٍ وَكَأِ إِيْهَانٍ فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَامْضُوا فِي الَّذِي نَهَجَهُ لَكُمْ وَقُومُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ فَعَلِيٌّ ضَامِنٌ لِفُلْجِكُمْ أَجَلًا إِنْ لَمْ تُمْنَحُوهُ عَاجِلًا.

حضرت همیشه در رفتار با مخالفان جامعه، آنان را به دوری از فساد و فتنه‌گری سوق می‌دادند (ایا و الفتنه) و بعد از عهدشکنی یا فتنه‌انگیزی و عدم امکان اصلاح، حضرت آنان را با رفتار خشونت‌آمیز به جامعه بازمی‌گردانند؛ ولی

دوباره علت این رفتار را برای عموم مردم بیان می‌کردند: فان الطلحه و الزیبر قد نکثا البیعه و نقضا العهد. این تشریح‌ها در مقاطع گوناگون نشانگر هدایت مخالفان و الزام جامعه به پابندی به قوانین و جلوگیری از فتنه‌انگیزی است که نشانگر مدارای رفتاری حضرت است.

در سیره پیامبر اکرم ﷺ هرگونه اقدام مخالفان در جهت ایجاد تنش و فتنه‌انگیزی در حکومت و نظام اسلامی محکوم به رفتار غیرمداراتی است، نمونه‌هایی از این اقدام را می‌توان در جریان‌های گوناگون همانند سوزاندن خانه منافقان، خراب کردن مسجد ضرار، غزوه السویق، غزوه الکدر، غزوه ذی الامر، اخراج منافقان از مسجد مشاهده کرد.

حضرت امیر بعد از اینکه خوارج شروع به جنگ مسلحانه کردند با آن‌ها با قاطعیت برخورد نمود:

﴿فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾. (سوره قلم: آیات ۸-۹)

از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن، آن‌ها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آن‌ها نیز نرمش نشان دهند.

«وَإِنِّي أَقْسَمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَّنْ بَلَّغْنِي أَنْكَ خُنْتَ مِنْ فَيْءِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَّأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ ضَعِيلَ الْأَمْرِ وَالسَّلَامُ.» (ابن ابی الحدید: نامه ۲۰)

یهودیان بنی نضیر تصمیم به ترور آن حضرت پیامبر اکرم ﷺ داشتند و خداوند از قصد آنان، پیامبر ﷺ را مطلع ساخت و همین پیمان‌شکنی منجر به تهاجم علیه آنان شد. پیامبر اعظم ﷺ بعد از برملا گشتن نقشه یهود، بنا بر مفاد پیمان‌نامه‌ای که طرفین آن را امضا کرده بودند که اگر یکی از این سه قبیله برخلاف متن پیمان رفتار کنند، دست پیامبر در ریختن خون، ضبط اموال و اسیر کردن زنان و فرزندان آنان بازخواهد بود، به آن‌ها پیام فرستادند که باید مدینه

را ظرف ده روز ترک گویند و الا خونشان هدر است که ابتدا مقاومت کردند و بعد از محاصره و شکست، مدینه را ترک کردند.

مسأله یهودیان بنی قریظه و جریان معروف سعد معاذ نیز نمونه دیگری از مقابله پیامبر با فتنه انگیزان است.

حضرت امیر درباره رفتار با طلحه و زبیر فرمودند: اگر آن‌ها از بیعت من سرباز زدند، با شمشیر تیز پاسخ آن‌ها را خواهم داد که برای درمان باطل و یاری دادن حق کافی است، من نه پرده‌پوشی می‌کنم و نه پرده‌پوشی را می‌پذیرم و حق بر من پوشیده نیست. (ابن ابی الحدید: خطبه ۱۷۲)

۵. کاربردهای حاکمیت اسلامی در مواجهه با مخالفان

۵-۱. ارشاد و هدایت

یکی از وظایف و کارکرد حوزه‌های دینی؛ ارشاد و هدایت، اصلاح‌گری بر محور قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام برگرفته از سیره عملی معصومان علیهم‌السلام است. راهکارهای مختلفی برای تحقق این مسأله از قبیل ایجاد مراکز اصلاح، ارشاد و تألیف کتاب و مقالات بیان شده است.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای دست‌یابی به این مهم؛ تدوین مقالات، ترجمه معارف و تدوین منابع مهم در موضوعات موردنیاز جامعه و اقشار گوناگون است، در این راستا عالمان بزرگ حوزه علمیه، کارهای گوناگونی انجام داده‌اند و بر طبق نیازها و اقتضائات زمانی و مکانی به تألیف، ترجمه و تدوین کتاب‌های فراوانی پرداخته و آن‌ها را به زبان‌های متعدد ترجمه و در سطح قابل‌فهم برای تمام طبقات در سطوح مختلف علمی ارائه کرده‌اند. حضرت علی علیه‌السلام در تبیین رویکرد هدایت محور به مالک اشتر این گونه می‌نویسد:

مهربانی، عطوفت و نرم‌خویی با مردم را در دل خود جای ده، از صمیم قلب آنان را دوست بدار و به ایشان نیکی کن، نسبت به ایشان به‌سان درنده‌ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو گروه‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو هستند و گروه دیگر در آفرینش همانند تو. اگر گناهی از ایشان سر می‌زند، عیب‌هایی برایشان عارض می‌شود و خواسته و ناخواسته خطایی انجام می‌دهند، آنان را عفو کن و از خطاهایشان چشم‌پوش همان‌گونه که دوست داری خداوند تو را ببخشد و از گناهانت چشم‌پوشی کند؛ زیرا تو مافوق مردم هستی و کسی که تو را به کار گمارده، مافوق تو و خداوند بالاتر از او ... هیچ‌گاه از بخشش و گذشت پشیمان نشو و به کفر و مجازات شادمان مباش. در عمل به خشم و غضبی که می‌توانی خود را از آن برهانی، شتاب نکن. (عهدنامه امیرمؤمنان علیه السلام به مالک اشتر، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه)

۲-۵. آزادی بیان

آزادی بیان به معنی حق اظهارنظر است. از مواردی است که هر حکومت عادلانی آن را به رسمیت می‌شناسد؛ البته این اظهارنظر باید مبتنی بر یک عقلانیت رفتاری و فکری باشد که قابلیت نقد، بررسی و اصلاح در صورت وجود معایب داشته باشد.

خوارج از جاهل‌ترین، متعصب‌ترین، پرخاشگرت‌ترین و خشن‌ترین افراد نسبت به حضرت علی علیه السلام بودند و به‌هیچ‌وجه حاضر به پذیرش و تسلیم در مقابل سخنان حق امام علی علیه السلام نشدند. آنان اشکالاتی به حضرت علی علیه السلام وارد می‌کردند و امام علیه السلام با دقت به تمام اشکالات آن‌ها پاسخ می‌داد. اعتراضات خوارج حدود شش ماه طول کشید و حضرت در مقابل آن‌ها فقط به ارشاد و هدایت آنان می‌پرداخت. آن‌ها در اعتراض‌های خود به هیچ وجه رعایت ادب را نمی‌کردند و از ناسزاگویی، هتاک و ... نسبت به امام علیه السلام خودداری نمی‌کردند. با این حال حضرت علی علیه السلام در مقابل آنان در نهایت بردباری و تحمل رفتار می‌کرد و از

هرگونه اقدام خشونت باری که به تحریک احساسات آن‌ها بیانجامد، به شدت پرهیز می‌نمود. زمانی آنان در سخنرانی امام علیه السلام اغتشاش نمودند و سعی در برهم زدن نماز جماعت داشتند، حضرت علی علیه السلام دست به رفتار قاطع نزد و با پاسخ شبهات سعی در ارشاد و هدایت ایشان داشت و تنها زمانی به نبرد با آن‌ها پرداخت که در مقابل حضرت به جنگ و خونریزی و حرکت مسلحانه اقدام کردند.

از اقدامات حضرت علی علیه السلام فرستادن اشخاص موجه و سرشناس برای هدایت و راهنمایی آن‌ها بود تا شاید شخصیت آنان، خوارج را به فکر وادارد و آن‌ها را متوجه اشتباه خود نماید. برای این منظور ابن عباس را که در بحث و گفتگو مهارت زیادی داشت به سوی آن‌ها فرستاد تا با آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بپردازد و اشکالاتشان را پاسخ گوید. (سبحانی، بی تا: ۶۳۲)

حضرت علی علیه السلام بزرگانی همچون صعصعة بن صوحان و زیاد بن نضر را برای نصیحت آنان فرستاد؛ ولی سخنان آن‌ها نتوانست خوارج را از خواب غفلت بیدار کند و بدون نتیجه به سوی امام علیه السلام بازگشتند. آنگاه امام علیه السلام خودشان به اردوگاه آن‌ها رفت و با ایشان به گفتگو پرداخت. در این گفتگو سخنان زیادی بین آن حضرت و خوارج رد و بدل شد و امام علیه السلام به همه شبهات آن‌ها پاسخ گفت. در پایان خوارج از امام علیه السلام خواستند توبه نماید. امام نیز بدون اشاره به گناه خاصی در پیشگاه خداوند توبه کرد. بدین سان خوارج به کوفه بازگشتند.

۳-۵. تعقیب و مراقبت

از وظائف حاکم جامعه اسلامی نسبت به مخالفان؛ نظارت و مراقبت از تحرکات و فعالیت‌های آنان است. روشن است که یکی از ابزارهای مهم مراقبت و نظارت، تجسس و خبرگیری از احوال و اوضاع طرف مورد مراقبت و

جستجو شونده است. دیدگاه فقهی در مورد حکم اولی تجسس از افراد، حرمت آن است و کسی نمی‌تواند بدون مجوز، حریم افراد را شکسته، در مورد آنان تجسس داشته باشد؛ و این‌گونه تجسس، تجسس نامشروع و حرام، نام‌گذاری شده است. شیخ کلینی به اسناد صحیح روایتی را از امام صادق علیه السلام در مورد حرمت تجسس بیان می‌کند:

مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُخْلِصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَذْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يُفْضَحْهُ وَلَوْ فِي بَيْتِهِ. (کلینی، بی‌تا: ۳۵۴/۲)

ای کسانی که اسلام را فقط در حد اقرار با زبان پذیرفته‌اید و هنوز نور آن در ژرفای دل‌هایتان رسوخ نیافته است، مسلمانان را غیبت و افشاگری نکنید و اسرار و عیوب آنان را مورد تجسس و پی‌جویی قرار ندهید؛ چون کسی که عیوب و اسرار مسلمانان را پی‌جویی و دنبال کند، خداوند نیز عیوب و اسرار خود او را دنبال خواهد کرد و سرانجام نیز چنین کسی را در خانه خود بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت.

بر این اساس شهروندان حکومت اسلامی باید با اطمینان خاطر از حریم خصوصی خودشان در حکومت اسلامی زندگی کنند؛ اما در مورد حکم ثانوی مراقبت و تجسس در فقه اسلامی باید گفت بسیاری موارد وجود دارند که از حرمت تجسس مورد استثناء قرار گرفته و گاهی واجب می‌شود. ازجمله این موارد تجسس از دیگران در راستای حفظ نظام سیاسی اسلام است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به‌وسیله مأموران اطلاعاتی خود، از پیمان شکنی بنی قریظه در لحظه‌ای حساس آگاه گردید و سخت پریشان‌دل و آزرده گشت. ایشان سعد معاذ و سعد

عباده را که از افسران ارشد اسلام و رئیس قبیله اوس و خزرج بودند مأمور ساخت تا اطلاعات دقیقی به دست آورند. (سبحانی، بی تا: ۱۳۴۲/۲)

۴-۵. منع از ریاست

در هر حکومتی برای واگذاری و تصدی پست‌های مهم و حساس مانند ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و... شروط و معیارهایی در محور حکومتی و اخلاق فردی برای احراز صلاحیت وجود دارد که در نتیجه افراد واجد شرایط و معیارها، برای عموم مردم اعلام می‌شود؛ زیرا چگونگی عملکرد مسئولان بلندپایه نظام سیاسی، از این جهت حائز اهمیت است که رفتار درست و سنجیده حکومت و کارگزاران در استحکام پایه‌های حکومت و ماندگاری آن، نقشی اساسی دارد و این کار جز با انتخاب افراد لایق و کاردان و توجه به تربیت سیاسی مستمر آنان، امکان‌پذیر نیست؛ چرا که ممکن است مقام و قدرت به تدریج سبب انحراف یا تغییر ماهیت صاحب منصبان گردد که در نتیجه آسیب جبران‌ناپذیر به حکومت وارد گردد. همین‌جا است که حسن اجرای امور حکومتی، به حسن انتخاب عوامل و نیروهای شایسته بستگی دارد، از این‌رو، انتخاب اصلح و گزینش مناسب نیروها و رعایت اولویت‌ها بر اساس معیارها و ویژگی‌های مطلوب و مورد نظر و در نظر گرفتن اوضاع و شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه، بسیار حائز اهمیت و ضروری است. حکومت اسلامی نیز از قاعده مذکور (لزوم احراز شرایط و صلاحیت‌های افراد برای تصدی مقامات بلندپایه) مستثنا نیست و پست‌های مهم و حساس حکومتی، باید به افراد واجد شرایط داده شود. حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر بیان کرده‌اند که افرادی که برای مناصب مورد استفاده قرار می‌دهی باید داری چه ویژگی‌هایی باشند:

ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَغْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً،
فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ؛ وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ
أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمَتَّقِمَةِ. «(ابن ابی‌الحدید: نامه ۵۳)

در امور کارگزارانت بنگر، آنان را آزموده به کار گیر و محور گزینشت
میل و گرایش شخصی تو نباشد؛ زیرا که این دو کانونی از شعبه‌های جور و
خیانت است. از میان آن‌ها افرادی را که باتجربه‌تر و پاک‌تر و پیشگام‌تر در
اسلام‌اند، برگزین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

قاعده مدارا در اصطلاح فقهی به معنی نیکویی در برخورد، حسن معاشرت در رفتار و قدرت تحمل عقاید ناهمگون که در جهت حفظ وحدت سیاسی در جامعه اسلامی و باهدف جلب و هدایت مخالفان پیگیری و بر پایه گذشت، آگاهی بخشی، عدالت رفتاری و زندگی مسالمت آمیز است.

مخالفان به معنی مخالف در تلقی فقهی نویسنده، به غیر از اسیران شامل کسانی می شود که دارای عقاید ناهمگون سیاسی، دینی و مذهبی در جامعه اسلامی هستند و اقدام عملی به عنوان جرم و خلاف قانون نیز مرتکب نشده اند.

با بررسی ادله در ناحیه قاعده مدارا در دو ساحت فقه اجتماعی و فقه حکومتی در دو نوع مخالف مسلمان و غیرمسلمان می توان به این نتیجه رسید که اسلام، اصل اولی را بر مدارا، تحمل و زندگی مسالمت آمیز گذاشته است و خواستار هدایت جمعی و تعامل در غالب وحدت سیاسی جامعه اسلامی است. مدارا محدود به رفتار غیر ساختار شکنانه در عناوین بدعت، فساد، فتنه، تزلزل وحدت سیاسی، عهدشکنی و جهاد است.

شیوه برخورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام بازگوی رفتار مداراتی با مخالفان در سطوح مختلف است. این مدارا باهدف هدایت، جذب و حفظ وحدت سیاسی جامعه مورد اشاره قرار گرفت.

در اصل خشونت، آخرین دارویی است که ممکن است در مواردی تجویز شود؛ مثل جراحی که آخرین راه حلی است که پزشک تجویز می کند. هیچ عاقلی و هیچ دینی نمی گوید که از همان آغاز باید با خشونت رفتار کرد؛ اما آنچه باید بر آن تأکید شود، این است که دشمنان ما درصددند که از طریق ترویج فرهنگ

تساهل و تسامح؛ غیرت و حساسیت را از مردم ما بگیرند و بهانه آنان نیز این است که حساسیت داشتن به مسائل اخلاقی، خشونت است. از این روی باید مراقب بود و در این زمینه تسلیم این ترفند دشمن نشد. (بزرگ‌ترین فریضه: ۱۷۸) کاربست‌های مدیریتی که می‌توان برای دولت اسلامی در این موقع تجویز نمود، عبارت‌اند از: ارشاد و هدایت، آزادی بیان، مراقبت و تعقیب و منع از ریاست. آورده تحقیق را می‌توان در چند عنوان بیان نمود:

ارائه تقسیم‌بندی جدید از قاعده مدارا بر اساس دسته‌بندی آیات و روایات؛ نوشتارهای علمی در موضوع پژوهش دارای اشکالات استنادی در خصوص مقام بیان مخاطب بودند، به‌طوری‌که برای اثبات مدارا در امور سیاسی توسط حاکم، استناد به رویه اجتماعی معصومان علیهم‌السلام در غیر امور سیاسی می‌کردند، در این نوشتار با تقسیم‌بندی انواع مدارا، هر نوع خاص از مدارا را با بررسی تحقیقاتی به موضوع و مسأله مرتبط با خودش ارجاع داده و انواع مدارا در ساحت‌های سیاسی و اجتماعی را موردگفتگو قرار دادیم. تعادل میان مدارا و قاطعیت در وجه حکومتی؛

برخی نویسندگان معاصر با بررسی ابعاد مدارا نتوانسته‌اند الگوی کاملی در ساحت مدارا و قاطعیت ارائه دهند و همین امر موجب مخدوش شدن ذهن مخاطب در مواجهه با انواع متون می‌شد، در این پژوهش با بررسی دو روش مواجهه با مخالفان در سیره معصومان علیهم‌السلام این دست‌آورد را بیان نمودیم که با توجه به مجموع شرایطی که مخاطب و مسأله دارا است می‌تواند از مدارا یا رفتار قاطع بهره‌مند باشد.

نقش حاکم در شناخت رفتار مداراتی با مخالفان سیاسی و بهره‌مندی آنان از امکانات دولت اسلامی؛

این مسأله که آیا حاکم جامعه اسلامی می‌تواند برخی از مخالفان را از خدمات شهروندی یا خدمات مدیریتی محروم نماید نیز مورد گفتگو قرار گرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

قران کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، ۴ جلد، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (بی تا)، *المختص*، ۱۷ جلد، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، ۶ جلد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ۱۵ جلد، چ ۳، بیروت: دارالفکر.
۵. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، ۲ جلد، قم: دارالکتب الإسلامیه.
۶. جمعی از مؤلفان، *مجلة فقه أهل البيت (بالعربیة)*، ۵۲ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۸. _____ (۱۴۱۲ق)، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل*، ۸ جلد، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
۹. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۶ق)، *الفقه، السلم والسلام*، بیروت: دارالعلوم.
۱۰. حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق)، *شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم*، ۱۲ جلد، بیروت: دارالفکر المعاصر.
۱۱. خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۰ق)، *الرسائل العشرة*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).

۱۲. _____ (۱۴۲۲ق)، *كتاب الطهارة* (تقریرات)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم - الدارالشامیة.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۳ق)، *الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف*، ۳ جلد، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۵. _____ (بی تا)، *فروع ابدیت*، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۶. سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۴۲۵ق)، *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الأساسية*، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. شهابی، محمود بن عبدالسلام. (۱۴۱۷ق)، *ادوار فقه*، ۳ جلد، چ ۵، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۱۶ق)، *مجمع البحرين*، ۶ جلد، چ ۳، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۱۹. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالافاق الجديدة.
۲۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق)، *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*، ۶ جلد، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ق)، *فقه سیاسی*، ۳ جلد، چ ۴، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۶ق)، *القواعد الفقهیة*، قم: مهر.
۲۳. _____ (۱۴۱۸ق)، *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة* (الحج)، ۵ جلد، چ ۲، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۴. _____ (۱۴۲۲ق)، *الأحكام الواضحة*، چ ۴، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق)، *كتاب العين*، ۸ جلد، چ ۲، قم: نشر هجرت.

۲۶. فیومی، احمد بن محمد. (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: منشورات دار الرضی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، ۸ جلد، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ*، ۲۶ جلد، چ ۳، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۹. محدث نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ۱۸ جلد، بیروت: مؤسسه آل البيت ﷺ.
۳۰. _____ (۱۴۱۷ق)، *خاتمة المستدرک*، ۹ جلد، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ.
۳۱. محمود، عبدالرحمان. (بی تا)، *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية*، ۳ جلد، [بی جا]: [بی نا].
۳۲. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۲۰ جلد، بیروت: دارالفکر.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (بی تا)، *بزرگترین فريضه*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۴. _____ (بی تا)، *ره توشه*، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق)، *القواعد الفقهية*، ۲ جلد، چ ۳، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین عليه السلام.
۳۶. همدانی، رضا بن محمدهادی. (۱۴۱۶ق)، *مصباح الفقيه*، ۱۴ جلد، قم: مؤسسه الجعفرية لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامية.